

فهرست

۱	مقدمه
۵	پیشگفتار
۷	درآمد
۱۱	مسیر شخصی من در گفتگو
۱۳	مدرسه بدون معلم
۱۶	این کتاب برای چه کسانی تدوین شده؟
۱۶	دشواری توصیف یک فرآیند پر دامنه
۱۷	کلید واژه «اعتیاد»
۱۸	واپسین اندیشه

فصل ۱

والدین چگونه می‌توانند تواناییهای پنهان خود را کشف کنند

۲۴	پرسش به عنوان کلید نیروها و استعدادها
۳۱	از تمرکز بر کمبودها به سوی توجه به منابع درونی
۳۵	بحرانها باعث توانمندی می‌شوند
۴۳	از رفتار منفعل تا رفتار فعال زندگی ساز

فصل ۲

ماهیت گفتگو

۵۲	گفتگو فقط نوعی ارتباط نیست
۵۴	دیگربودن دیگری تأیید و پذیرفته می‌شود
۶۰	اصالت مهمتر از تظاهر است

۶۵	چگونه می‌توان اخلاق و رفتار گفتگو را آموخت
۷۲	مهارت‌ها و قابلیت‌های اصلی گفتگو
۷۳	موضع یادگیرنده
۷۵	نشان دادن احترام کامل
۷۸	باز بودن ذهن نسبت به دیدگاه‌ها و باورهای دیگر
۸۰	از صمیم قلب سخن گفتن
۸۱	گوش دادن بالنده و تمایل به درک متقابل
۸۵	کاستن از شتاب گفتگو یا پرهیز از شتاب
۸۸	به تعلیق در آوردن فرضیات، قضاوت‌ها و ارزیابی‌ها
۹۳	باز گذاشتن فرآیند اندیشیدن یا حمایت سازنده
۹۵	جویندگی و کاوشگری
۹۷	خود را به عنوان راهنمای گفتگو بدقت نگرستن یا نظاره‌گر را نظاره کردن
۹۸	محدوده‌های گفتگو
۱۰۳	چکیده

فصل ۳

پنج سطح فراگیری در کار گفتگوی والدین

۱۱۲	پنج سطح یادگیری
۱۱۴	سطح یادگیری ۱
۱۱۴	انتقال دانایی صرف و خالص
۱۱۸	کسب اطلاعات و تقویت شخصیت
۱۲۱	چکیده
۱۲۲	سطح یادگیری ۲
۱۲۵	مشارکت گروهی برای پاسخ‌یابی
۱۲۷	ایجاد چهارچوب‌هایی برای گفتگو
۱۳۱	رابطه و شکوفایی شخصیت
۱۳۴	سطح یادگیری ۳
۱۳۴	«من» چه ارتباطی با موضوع دارم؟
۱۳۵	بازتاب خود در حکم راه خودشناسی
۱۳۹	معرفت نفس یا خودشناسی، بخشی از رشد و تحول فردی است
۱۴۱	«تکالیف خانگی» خودنهاد
۱۴۲	چکیده:
۱۴۴	سطح یادگیری ۴
۱۴۸	از کجا آمده‌ام؟

۱۵۰	شناخت مسائل مهم فردی
۱۵۰	والدین کامل نیستند، اما کافی است همه تلاش خود را به کار گیرند
۱۵۲	تاریخچه زندگی به عنوان « تاریخچه فراگیری »
۱۵۴	سطح یادگیری ۵
۱۵۴	با والدین در جستجوی « امر توضیح ناپذیر »
۱۵۸	ما می توانیم از کودکان بیاموزیم
۱۶۰	مرزها و محدوده های فهم متقابل
۱۶۴	معنویت و حس معنادهی و جهت یابی
۱۶۵	جستجوی معنا در گفتگو
۱۶۷	چکیده

فصل ۴

راهنمای گفتگو و وظایفش

۱۷۱	ایجاد فضای یادگیری
۱۷۳	تحقق و امکان رها کردن و دگرگونی خود
۱۷۷	ترسها را بپذیریم و اطمینان خاطر و احترام به وجود آوریم
۱۸۴	استفاده از قدرت گروه بزرگ
۱۸۶	با گفتگو، با والدینی که دغدغه مسائل تربیتی را ندارند، هم ارتباط پیدا کنیم
۱۸۸	« هنر » امکان پذیر ساختن گفتگو
۱۹۰	جمع بندی

فصل ۵

روند کارگاه

۱۹۵	یک پیشنهاد و نه دستورالعمل کاری
۱۹۷	چهارچوب کارگاه
۲۰۰	استقبال از والدین به عنوان مهمان
۲۰۱	اهداف
۲۰۲	تهیه فهرست کارها برای برنامه ریزی
۲۰۳	ایجاد فضای کارگاه
۲۰۳	هدف
۲۰۵	پیش از شروع کارگاه
۲۰۶	اصالت به جای کار صحنه ای (نمایش دادن)
۲۰۷	پیشرفتهای آموزشی خود به خود ارزش گذاری می شوند
۲۰۸	زمانی که اوضاع « بحرانی » می شود چه باید بکنیم؟

۲۱۰	اجرای کارگاه والدین ۱:
۲۱۱	درآمد
۲۱۱	گفتگو
۲۱۲	بازنگری یا سنجش چرخه گفتگو
۲۱۴	سوالات جزّقه آور برای گفتگو
۲۱۴	عینک طلایی
۲۱۵	ارزیابی عینک طلایی
۲۱۶	سفر خیالی: « شیوه خاص کنار آمدن با زندگی »
۲۱۶	هدف
۲۱۷	ارزیابی سفر تخیلی
۲۱۸	« تکلیف خانه »
۲۱۹	مثالها
۲۱۹	هدف
۲۱۹	جمع بندی نهایی افراد
۲۲۱	« چیزی در جیب »
۲۲۱	اجرای کارگاه والدین ۲
۲۲۲	خوشامدگویی
۲۲۲	تصاویر بیانگر احساسات
۲۲۲	اجرا
۲۲۳	ارزیابی تصاویر بیانگر احساسات
۲۲۳	بررسی « تکالیف خانه »
۲۲۴	سنجش و بازنگری - « عینک طلایی »
۲۲۵	سفر خیالی به سوی « کودک خود »
۲۲۶	ارزیابی سفر خیالی
۲۲۷	کودکان توانمند
۲۲۸	توصیف تمرین
۲۲۹	نتیجه گیری شخصی

فصل ۶

مواد کمکی برای شروع کار و تمرینات کار گفتگو

۲۳۳	اشکال و صورتهایی برای دو کارگاه
۲۳۹	قواعد گفتگو
۲۳۹	« انرژی دهنده ها »
۲۴۵	تمرین: مشاهده یا ارزیابی؟

۲۴۶	تمرینهایی برای تشخیص سرچشمه‌ها و برای گفتگو
۲۴۷	پنج ستون تربیت
۲۴۸	گلگشت کوتاه در دوران کودکی افراد
۲۴۹	گنجینه
۲۵۰	یاد می‌گیرم « هسته طلایی » کودکم را دوباره ببینم
۲۵۱	« خطای دوست‌داشتنی » / « شوک روحی » مورد علاقه من
۲۵۱	داستانهایی برای با هم خواندن (خواندن مشترک)
۲۵۸	یک معجزه
۲۵۹	منبعی که از آن نیرو می‌گیرم ۱
۲۶۰	منبعی که از آن نیرو می‌گیرم ۲
۲۶۱	نظریاتی در باب سرچشمه‌های استقامت و احساس همگرایی و احساس پیوند
۲۶۲	پیوستهای ۱ و ۲ برای اجرای کارگاه
۲۶۲	پیوست ۱: نامه به والدین
۲۶۳	پیوست ۲: سؤالاتی در خصوص چرخه گفتگو
۲۶۴	پیوست ۳: سؤالات اساسی و جرقه‌برانگیز در خصوص گفتگو
۲۶۸	پیوست ۴: شابلون [قالب] « پیکره کودک »
۲۶۹	پیوست ۵ الف:
۲۶۹	پیوست ۵ الف: سفر تخیلی ۱
۲۷۰	پیوست ۵ ب: سفر خیالی ۲
۲۷۳	پیوست ۶: « تکلیف خانه » برگه سؤالات و انگیزه‌ها
۲۷۴	پیوست ۷: تصاویر بیانگر احساسات
۲۸۴	پیوست ۸: سفر خیالی به « کودکی من » [کودکی خود]
۲۸۶	پیوست ۹: نمونه کپی شده - دو کودک قوی
۲۸۸	پیوست ۱۰: مثالهایی برای « سؤالات نامتعارف سنجیده »
۲۸۹	پیوست ۱۱: تمرین گفتگو در سطح پنجم
۲۹۱	یادگیری در سطح پنجم
۲۹۲	شروع

هر وضعیت زنده همانند یک نوزاد است که با وجود شباهت به والدین خود، چهره تازه‌ای هم دارد که تاکنون هرگز وجود نداشته و هرگز تکرارشدنی نیست. این وضعیت، توضیحی تازه از طرف تو می‌طلبد، توضیحی که تاکنون در چنته نداشته‌ای و از تو حضور، مسئولیت و تو را می‌طلبد.

مارتین بویر

مقدمه

کارگاه‌گفتگوی والدین، تحت عنوان توانمندسازی والدین، هیچ رابطه‌ای با گرایشی که در حال حاضر نسبت به «موضوعات تربیتی» رواج پیدا کرده ندارد. این روزها برای حل مسائل تربیتی کودکان بدقلق، تجویز نسخه‌های سهل‌الوصول به منظور تبدیل آنها به کودکانی سربه‌راه و البته (ظاهراً) سازگار با شرایط مُد روز است. سوپرنانی^۱، (آبرپرستار) متخصص تربیتی شبکه تلویزیونی RTL، یکی از همین نسخه‌پیچان تجاری بازارگرم مشاوره است که به والدین «ناآگاه و درمانده» راه و چاه را نشان می‌دهد و می‌گوید: چگونه می‌توانیم سرعت بچه‌ای سربه‌راه و حرف‌شنو داشته باشیم، بدون آنکه مجبور شویم خود را تغییر دهیم.

در کتاب توانمندسازی والدین اثر یوهانس شوپ^۲ از این مقولات چیزی یافت نمی‌شود: هیچ برنامه سرپایی یا به قول معروف «فست فودی»^۳ و حاضر و آماده برای کودکان سخت‌تربیت، هیچ مقصّریاب (یا جستجویی برای یافتن بلاگردان در تربیت نادرست کودکان) و اصولاً هیچ دانش تخصصی که به والدین تلقین کند که در فرآیند تربیت تنها یک راه درست و یگانه وجود دارد در کار نیست. اگر کسی (والدی) به دنبال دانشی کاربردی است که مثلاً در مواجهه با کودکانی که به

1. Supernanny

2. Johannes Schopp

3. Fastfood

رختخواب نمی‌روند، زیاد تلویزیون نگاه می‌کنند، خواهر و برادرانشان را کتک می‌زنند یا با حیوانات خانگی رفتاری خشونت‌آمیز دارند، چه کار می‌تواند بکند، در کارگاه گفتگوی والدین و در این کتاب خوشبختانه! هیچ جواب تخصصی یا پاسخهایی از این دست برای آن نخواهد یافت.

راهنمایان گفتگو، زن یا مرد، در واقع هدایت‌کننده جریان فکری مشترکی هستند و خود به عنوان متخصصان حرفه‌ای طی گفتگو در پس‌زمینه قرار می‌گیرند. والدین پاسخ عینی «خودشان» را در جریان گفتگو می‌یابند و به شَم و دریافت خودشان اعتماد می‌کنند. کسانی که در این چهارچوب گفتگو می‌کنند، به جای دریافت نسخه‌های یک‌سویه، به چیزی فراتر دست می‌یابند. آنها با تأمل در تجربه‌ها، احساسها، موضوعات زندگی، اشتیاقها و معضلات خودشان عمیق می‌شوند، و نیز به توانمندیها، تواناییها و قدرتهایی که نسبت به آنها کم‌توجه بودند یا فرصت تجربه کردنش را از دست داده‌اند فکر می‌کنند.

یوهانس شوپ با طرح خود، والدین را به‌منزله متخصصانی در حوزه تربیتی جدی می‌گیرد و به آنها جرئت می‌دهد تا به راههای خاص خودشان در تربیت دست یابند، ضمن اینکه خود وی نیز به عنوان طرف گفتگو حضوری فعال دارد. او در این اثر، تجربیات خودش را نیز توصیف می‌کند و می‌کوشد آن را، به کتاب راهنمایی تبدیل کند که برای ادامه‌دهندگان برنامه آموزش والدین مؤثر است.

این چهارچوب و طرح گفتگو، مستقل و کامل است، و در عین حال می‌تواند فراتر از چهارچوب‌های آموزش والدین قرار گیرد و به بسط و گسترش آن کمک نماید. تربیت در درجه اول تربیت نفس یا خود است، که دشوار و طاقت‌فرساست، صبوری بسیار می‌طلبد، پاسخهای خاص خود را هم می‌خواهد، و هیچ ربطی هم به «سخنان بیهوده حاضرآماده» ندارد [که سوپرنانی با عبارت «ratzfatz»^۱ مدام از آن حرف می‌زند].

۱. برنامه‌ای تلویزیونی با همین عنوان که برای مشاوره والدین در تلویزیون آلمان به نمایش درمی‌آید. - م.